

# یک حلقه طناب، نه یک بازو بند بولیوی و عراق: نفت ما را به ما پس بدهید

نوامی کلاین

برگردان: زهره سحرخیز

نیشن

شماره ویژه تا 27 ژوئن 2005

<http://www.thenation.com/doc.mhtml?i=20050627&s=klein>

گوردون براون در جریان گردهمایی G8 در اسکاتلند، به ایده ای نوین دست پیدا کرده است مبنی بر این که چگونه می توانیم فقر را به تاریخ بسپاریم. حال که واشینگتن تاکنون نپذیرفته کمک اش به آفریقا را تا 2015 به دو برابر افزایش دهد، وزیر بریتانیایی به دولت های غنی تر نفتی در خاورمیانه روی آورده تا شکاف برای تامین مالی را جبران کند. در تیتراژ آبرور لندن می خوانیم، ترغیب ثروت نفتی برای نجات آفریقا.

بفرمائید این هم یک ایده ی بهتر: به جای این که ثروت نفتی عربستان سعودی برای نجات آفریقا، مورد استفاده قرار گیرد، چطور است از ثروت نفتی آفریقا، و نیز از گاز، الماس، طلا، پلاتینیوم، کرم، آلیاژ فرئون، و ثروت زغال سنگ آفریقا، برای نجات آفریقا استفاده شود؟

حالا که این قدر همت عالی جنابانه روی نجات آفریقا از فقر متمرکز شده است، به نظر می رسد زمان مناسبی باشد برای یادآوری از شخص دیگری که تلاش کرد فقر را به تاریخ بسپرد: کن سارو ویوا، کسی که در ماه نوامبر ده سال از قتل اش همراه با هشت مبارز اکونی دیگر که توسط دولت نیجریه به اعدام با دار محکوم شدند، می گذرد. جرم آن ها این بود که شهادت داشتند تاکید کنند نیجریه اصلا فقیر نیست، بلکه ثروتمند است، و تصمیمات سیاسی که براساس منافع غرب گرفته می شود، مردم آن را در فقر و استیصال نگه داشته است. سارو ویوا زندگی اش را در پای این ایده گذاشت که ثروت عظیم نفتی دلتای نیجر باید در پشت سر خود چیزی بیش از رودخانه های آلوده، مزارع سوخته، هوای آلوده و مدارس ویران بر جای بگذارد. او خواهان خیریه، ترحم، یا بخشودگی نبود، بلکه عدالت می خواست.

جنبش «بقا» ی مردم اکونی خواهان آن بود که کمپانی شل خسارت مردمی را بدهد که از سال های 50 تا آن موقع از سرزمین شان ۳۰ میلیارد دلار استخراج کرده بود. شرکت برای کمک رو به دولت آورد، و نظامیان نیجریایی تفنگ های شان را به سوی تظاهر کنندگان برگردانند. قبل از این که سارو ویوا به دستور دولت اعدام شود، در دادگاهی که برای او تشکیل شده بود گفت: من و رفقایم تنها کسانی نیستیم که در دادگاه محاکمه می شویم. شرکت شل هم در این محکمه حضور دارد... در واقع شل این دادگاه ویژه را تشکیل داده است، ولی قطعا روزی نوبت خودش خواهد رسید

ده سال بعد ۷۰ درصد مردم نیجریه هنوز با روزی کمتر از یک دلار زندگی می کنند و کمپانی شل هنوز سودهای فوق العاده می برد. گینه اکوادور، که یک قرار داد بزرگ با اکزون موبیل دارد، بر اساس گزارش برنامه ۶۰ دقیقه: در اولین سال قرار داد ۱۲ درصد سهمش را می تواند نگهدارد، -- نسبتی که حتی در اوج غارت استعمار نفتی هم شرم آور بود.

این است که آفریقا را فقیر نگه میدارد: نه فقدان اراده سیاسی، بلکه سود آوری فوق العاده تنظیمات کنونی. آفریقای ماورای صحرا، فقیرترین منطقه جهان، بدین ترتیب سود آورترین مقصد برای سرمایه گذاری است: براساس گزارش توسعه مالی جهان بانک جهانی، این منطقه، بالاترین بازدهی سود برای سرمایه گذاری

خارجی را نسبت به هر نقطه جهان دارد. آفریقا فقیر است زیرا سرمایه گذاران و اعتباردهندگان به آن به طور غیر قابل وصفی ثروتمندند.

ایده ای که کن سارو ویوا در راه مبارزه برای آن جان داد؟ مبنی بر این که منابع یک کشور باید به نفع مردم همان کشور مورد استفاده قرار گیرد؟ در قلب همه مبارزات ضد استعماری جهان قرار داشته است، از تی پارتی بوستون\* گرفته تا مبارزه ایران با کمپانی انگلو ایرانی در آبادان. مرگ این ایده، در قانون اساسی اروپا، در استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا [که]، [تجارت آزاد] را نه تنها یک سیاست اقتصادی بلکه یک اصل اخلاقی معرفی می کند]، و توسط قرار دادهای تجاری بی شمار اعلام شده است. و علیرغم همه ی این ها، این ایده حاضر نیست بمیرد.

شما می توانید آن را در اعتراضات خستگی ناپذیری که رئیس جمهور بولیوی کارلوس مسا را وادار به استعفای خود نمود ببینید. یک دهه قبل صندوق بین المللی پول بولیوی را مجبور کرد صنایع نفت و گاز خود را خصوصی کند با این وعده که در اثر این اقدام رشد بالا خواهد رفت و سعادت گسترش خواهد یافت. وقتی این طور نشد، وام دهنده گان خواهان آن شدند بولیوی کسر بودجه اش را با افزایش مالیات کارگران فقیر تامین کند. بولیویایی ها ایده بهتری داشتند؟ گاز خود را پس بگیرند و از آن به نفع کشور خود استفاده کنند. بحث اکنون این است که چقدر را پس بگیرند. جنبش به سوی سوسیالیسم Movement Toward Socialism اوو مورالس Evo Morales خواهان آن است که روی سود خارجی ۵۰ درصد مالیات بسته شود. گروه های بومی رادیکال، که شاهد آن بوده اند تا هم اکنون سرزمین های شان از ثروت معدنی تهی شده است، خواهان ملی کردن کامل و مشارکت بسیار بیشتر هستند، چیزی که آن را ملی کردن حکومت nationalizing the government نامیده اند.

شما می توانید این ایده را در عراق هم ببینید. در دوم ژوئن لیث کوبه Laith Kubba، سخنگوی نخست وزیر عراق به روزنامه نگاران گفت صندوق بین المللی پول عراق را مجبور کرد بهای برق و سوخت را در عوض بدهی های گذشته اش افزایش دهد. عراق ۱۰ میلیارد دلار مقروض است، و من فکر می کنم ما نمی توانیم از این اجتناب کنیم. ولی چند روز قبل از آن در بصره یک گردهمایی تاریخی توسط اتحادیه های مستقل، با حضور پررنگ اتحادیه عمومی کارکنان نفت، مصرانه تاکید کرد دولت باید از این کار اجتناب کند. در اولین کنفرانس ضد خصوصی کردن در عراق نمایندگان درخواست کردند دولت اساسا از پرداخت بدهی های نفرت انگیز صدام امتناع کند و با هر اقدامی برای خصوصی کردن اموال دولتی، از جمله نفت، مخالفت نماید.

نئو لیبرالیسم، ایدئولوژی که قدرتمندانه تلاش می کند خود را به عنوان مدرنیته جا بیندازد، و در همان حال کسانی که بیمارگونه به آن باور دارند ماسک تکنوکرات هایی بی طرف را بر چهره می زنند، دیگر نمی تواند ادعا کند که یک توافق است. رای دهندگان فرانسوی وقتی به قانون اساسی اتحادیه اروپا نه گفتند، آن را رد کردند، و شما میزان نفرت از آن را میتوانید در روسیه ببینید، جایی که اکثریت مردم از آن ها که از خصوصی کردن های فاجعه بار دهه ۹۰ سود به جیب زدند بیزارند، و تعداد آن ها که برای محکومیت الیگارشی نفتی میخائیل خود کوفسکی سوگواری می کنند، انگشت شمار است.

همه این ها با توجه به زمان برگزاری گردهمایی G8 جالب تر می شود. باب گلدوف و جمعیت فقر را به تاریخ بسپریم، فراخوان داده اند که ده ها هزار نفر به ادینبورگ بروند و در دوم ژوئیه یک نوار بزرگ سفید دور مرکز شهر ایجاد کنند که اشاره ای است به بازو بند فقر را به تاریخ بسپرید، که در همه جا پخش شده است.

ولی به نظر می رسد این شرم آور باشد که یک میلیون نفر، تمام این راه دراز را بروند تا یک دکور عظیم ارزان قیمت، یک زینت جمعی برای قدرت باشند. به جای این چطور است وقتی این همه مردم دست به دست هم می دهند، اعلام کنند که آن ها نه بازو بند بلکه حلقه طناب اند؟ حلقه طناب دور گردن سیاست های مرگ آور اقتصادی که تا هم اکنون این همه جان گرفته است، به خاطر فقدان دارو و آب سالم، به خاطر نبود عدالت.

یک حلقه طناب مثل آن که جان کن سارو ویوا را گرفت.

\* اشاره به مقاومت مستعمرات انگلیس در مقابل انحصار کمپانی هند شرقی بر تجارت چای مستعمرات

برگرفته از سایت روشنگری  
<http://www.roshangari.net>